

## فهرست مطالب

### فصل اول: کلیات

- 1-1 بیان مسئله.....2
- 2-1 ادبیات موضوع.....5
- 3-1 هدف پژوهش.....8
- 4-1 روش تحقیق و گردآوری داده‌ها.....9
- 5-1 سوال تحقیق.....9
- 6-1 فرضیه.....9
- 7-1 تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی.....9

### فصل دوم: چارچوب نظری

- مقدمه.....13
1. روش‌های مطالعه سیاست خارجی.....14
2. مشکلات بررسی علمی.....16
3. سطح تحلیل.....17
4. نظریه واقع‌گرایی و رفتار خارجی دولت‌ها.....19
5. نظریه واقع‌گرایی ساختاری.....20
6. نظریه تصمیم‌گیری.....22
7. مدل‌های تصمیم‌گیری.....24
8. برخی ملاحظات در معیارهای تصمیم‌گیری.....26
9. عوامل مؤثر بر سیاست‌گذاری خارجی.....27

- 28.....1-9-2. متغیرهای شخصیتی.....
- 30.....2-9-2. متغیرهای اجتماعی.....
- 31.....3-9-2. متغیرهای دولتی.....
- 33.....4-9-2. متغیرهای سیستمی.....
- ۳۴.....۵-۹-۲. متغیرهای نقشی.....

### فصل سوم : پیشینه فعالیت‌های هسته‌ای ایران

- 38.....1-3. پیشینه فعالیت‌های هسته‌ای ایران :.....
- 38.....1-1-3. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی:.....
- 39.....۲-۱-۳. پس از پیروزی انقلاب اسلامی:.....
- 40.....1-2-1-3. از پیروزی انقلاب اسلامی تا حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱.....
- 42.....۲-۱-۳. از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت.....
- 49.....3-2-1-3. از ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت تاکنون.....

### فصل چهارم : ملاحظات سیاسی، امنیتی و اقتصادی دیپلماسی هسته‌ای جمهوری

#### اسلامی ایران

- 73.....1-4. مقدمه :.....
- 73.....2-4. ملاحظات سیاسی.....
- 73.....1-2-4. برخورد دوگانه اعضای باشگا هسته‌ای در قبال حسن اجرای معاهدات خلع سلاح.....
- 75.....1-1-2-4. هند.....
- 78.....2-1-2-4. پاکستان.....
- 80.....3-1-2-4. کره شمالی.....
- 82.....4-1-2-4. رژیم صهیونیستی.....
- 85.....2-2-4. توسعه عمودی و افقی تسلیحات هسته‌ای.....

3-2-4. زیاده‌خواهی غرب در برابر سیاست شفاف‌سازی و اعتمادسازی جمهوری اسلامی ایران.....91

4-2-4. دوپهلوی بودن گزارش‌های محمد البرادعی و نهادهای اطلاعاتی آمریکا.....91

## فصل پنجم : رویکردهای گوناگون مراکز پژوهشی غرب در قبال موضوع هسته‌ای

### ایران

1-5 مقدمه.....96

2-5 رویکرد گفت‌وگوی همه‌جانبه.....96

1-2-5 هانس بلیکس.....97

2-2-5 پیتر کریل.....98

3-2-5 محمد البرادعی.....98

4-2-5 سرجان تامسون.....100

5-2-5 رویکرد مهار از طریق گسترش دامنه تحریم‌ها.....100

5-2-5 جفری کمپ.....106

6-2-5 ری تاکیه.....107

7-2-5 پاتریک کلاوسون.....108

8-2-5 گری سیک.....109

9-2-5 دیوید کی.....109

10-2-5 کنث ام. پالک.....111

3-5 رویکرد حمله نظامی پیش‌دستانه.....112

1-3-5 دانیل پلتکا.....114

2-3-5 هنری سوکولوسکس.....115

3-3-5 مایکل لوی.....116

4-3-5 چالش‌های سیاسی.....118

5-3-5 چالش‌های امنیتی.....118

4-5 رویکرد تغییر رژیم از طریق تسریع و تسهیل پروژه براندازی نرم.....120

- 121.....1-4-5 رائل مارک گرچت.....
- 121.....2-4-5 ریچارد هاس.....
- 121.....3-4-5 ریچارد آرمیتاژ.....
- 122.....4-4-5 گودت باهات.....
- 123.....5-4-5 مارک پالم.....
- 126.....6-4-5 برگزاری کنفرانس ها و همایش های متعدد با موضوع های قومی - هویتی.....
- 126.....7-4-5 سامان دهی و سازمان دهی اپوزیسیون خارج از کشور.....
- 126.....8-4-5 معطوف کردن ظرفیت های نظام جمهوری اسلامی ایران به سمت مهار تنش های داخلی.....
- 128.....9-4-5 بهره برداری هدفمند از ابزارهای دیپلماسی رسانه ای و فرهنگی.....
- فصل ششم: فشار قدرت های بزرگ در قبال توسعه دانش هسته ای بومی در ایران**
- 134.....1-6 راهبرد آمریکا در قبال ایران هسته ای.....
- 134.....1-1-6 اجماع سازی از طریق دیپلماسی گام به گام.....
- 139.....2-1-6 استفاده ابزاری از دو مفهوم حقوقی - فنی «عدم تمکین» و «انحراف».....
- 140.....3-1-6 اعمال سیاست افزایش فشار چند لایه ای.....
- 142.....4-1-6 راهبرد «فشار از بیرون - تغییر از درون».....
- 143.....5-1-6 راهبرد «فشار از پایین - چانه زنی از بالا».....
- 144.....6-1-6 راهبرد تهدید و تطمیع.....
- 7-1-6 جلوگیری از تبدیل جمهوری اسلامی ایران به الگویی برای سایر کشورهای اسلامی و در حال توسعه.....
- 144.....
- ۱۴۴.....8-1-6 فروکاستن نقش محوری آژانس اتمی.....
- 144.....2-6 راهبرد امنیتی آمریکا در قبال ایران هسته ای.....
- 145.....1-2-6 القای ارتباط میان فناوری هسته ای جمهوری اسلامی ایران با نهادهای نظامی.....

- 2-2-6 بهره برداری ابزار از گروهک ها و افراد ضد انقلاب برای اهداف جاسوسی از تأسیسات هسته ای ایران.....146
- 3-2-6 بهره برداری ابزار از گفتمان های امنیتی حاکم بر روابط بین الملل.....147
- 1-3-2-6 ترتیبات واسنار.....150
- 2-3-2-6 ابتکار امنیتی اشاعه.....151
- 3-3-2-6 گروه عرضه کنندگان انرژی هسته ای.....151
- 4-3-2-6 رژیم کنترل فناوری موشکی.....152
- 5-3-2-6 گروه استرالیا.....153
- 6-3-2-6 قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت.....153

#### 7-3-2-6 افزایش فعالیت های ایدایی و ارزیابی نوع واکنش

ایران.....154

- 3-6 راهبرد روانی - رسانه ای آمریکا در قبال ایران هسته ای.....155
- 1-3-6 القای ارتباط میان توسعه فناوری هسته ای ایران و شبکه های غیرقانونی و قاچاق مواد هسته ای .....156
- 2-3-6 تحریک کشورهای عربی منطقه با عناوینی مانند آلودگی زیست محیطی و فقدان ایمنی نیروگاه بوشهر .....156
- 3-3-6 ایجاد تصویر مجازی از فعالیت ها، قابلیت ها و اهداف هسته ای جمهوری اسلامی ایران ....157

#### فصل هفتم : رویکرد جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با تهدیدها

- 1-7 توان مهندسازی.....164
- 2-7 اتحاد سازی .....168
- 3-7 تفرقه افکنی .....169
- 4-7 تعریف منافع حاشیه ای .....170
- 5-7 افزایش زمان مدیریت تهدید .....172



## پیوست ها :

پیوست 1 قانون الزام دولت به تعلیق اقدامات داوطلبانه در صورت ارجاع و یا گزارش پرونده هسته‌ای

ایران به شورای امنیت

پیوست 2 قانون الزام دولت به تجدید نظر در همکاری با آژانس بین المللی انرژی اتمی

پیوست 3 بیانیه تهران (21 اکتبر 2003)

پیوست 4 ضمیمه بیانیه تهران ؛ اقداماتی که باید از سوی ایران اتخاذ شود. (29 اکتبر 2003)

پیوست 5 موافقت نامه بروکسل ( 23 فوریه 2004)

پیوست 6 موافقت نامه ایران و سه کشور اروپایی (موافقت نامه پاریس) ( 15 نوامبر 2004)

پیوست 7 متن قطعنامه 1696 (31 ژوئیه 2006)

پیوست 8 متن قطعنامه 1737 (23 دسامبر 2006 – دی ماه 1385)

پیوست 9 متن قطعنامه 1747 (24 مارس 2007- 4 فروردین 1386)

پیوست 10 متن قطعنامه 1803 ( 3 مارس 2008 - 13 اسفند 1386)

پیوست 11 پیمان منع تولید و تکثیر سلاح های هسته‌ای (NPT)

پیوست 12 پروتکل الحاقی

# فصل اول

## کلیات



## ۱-۱ بیان مسأله

22 بهمن ماه سال 81، رئیس‌جمهور وقت، در سخنرانی‌ای به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، دست‌یابی جمهوری اسلامی به توانمندی هسته‌ای از طریق غنی‌سازی اورانیوم را اعلام و بر صلح‌آمیز بودن آن تأکید کرد. این سخنان هنگامی ایراد شد که ایالات متحده آمریکا در پی حادثه 11 سپتامبر، افغانستان و عراق را اشغال و جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان یکی از اضلاع محور شرارت متهم کرده بود. در این شرایط، اسرائیل و ایالات متحده آمریکا سعی نمودند اجماع جهانی را علیه فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی شکل دهند و ایران را به‌واسطه برخورداری از این توانمندی به مثابه تهدیدی امنیتی برای صلح و امنیت بین‌المللی معرفی کنند تا از این طریق، بتوانند به اهداف تعیین‌شده خود که در مرتبه حداقلی، از بین بردن توانایی‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی و در مرتبه حداکثری، براندازی جمهوری اسلامی بود، برسند. در این شرایط، شیوه‌ای که برای رفع این تهدیدات و مدیریت آن انتخاب شد، غیرامنیتی کردن پرونده هسته‌ای و حساسیت‌زدایی از آن بود. در سپتامبر 2003، شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، قطعنامه شدیدالحنی علیه ایران تصویب کرد و در آن تهدید نمود که پرونده ایران را به شورای امنیت ارجاع می‌دهد.

این تهدید، در شرایطی انجام می‌شد که به‌واسطه تبلیغات رسانه‌های غربی و تحریک افکار عمومی بین‌المللی، شرایط برای جمهوری اسلامی بسیار بحرانی بود و اگر تهدید مذکور، حساب‌شده مدیریت نمی‌شد، تبعات بسیار زیان‌باری برای ایران به همراه داشت؛ زیرا بحث فعالیت‌های هسته‌ای ایران آن‌گونه که رسانه‌های بین‌المللی مطرح می‌کردند، به خودی خود مسائلی چون تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی و صلح‌خاورمیانه را در خود داشت. در این شرایط، جمهوری اسلامی ایران در مهر ماه 1382، به‌طور ناگهانی اعلام نمود آماده است پروتکل الحاقی به قرارداد منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را بپذیرد.

سرانجام پس از آن، در 29 مهر ماه 1382، در کاخ سعدآباد تهران، توافق‌نامه‌ای مابین ایران و سه کشور اروپایی عضو شورای حکام آژانس، یعنی انگلیس، فرانسه و آلمان صورت گرفت که در نتیجه آن، جمهوری اسلامی ایران می‌پذیرفت فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی اورانیوم را به حالت تعلیق درآورد.

نفس این تعهد، موجب می‌شد ارجاع پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی به شورای امنیت سازمان ملل متحد، منتفی شود. در واقع، راه‌برد جمهوری اسلامی در مواجهه غافل‌گیرانه با بحران هسته‌ای و در جو نامساعد بین‌المللی، عبور از این بحران و تبدیل بُعد امنیتی و سیاسی آن، به بحرانی فنی و حقوقی بود. توافق‌نامه سعدآباد، ضمن جلوگیری از ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت، اروپا را نیز از جبهه آمریکا خارج نمود و به روسیه نزدیک کرد. ضمن آن‌که لحن جنگی و نظامی آمریکا در برابر ایران را به لحن دیپلماتیک تغییر داد. توافق‌نامه دوم با هیأت تروئیکای اروپا، در تاریخ 23 فوریه 2003 در بروکسل بود. یکی از مهم‌ترین بندهای این توافق‌نامه این بود که اروپا متعهد می‌شد تمام تلاش خود را برای عادی شدن پرونده و بسته شدن آن در اجلاس ژوئن به کار برد. این امر، به منزله موفقیت مدیریت تهدید در همان مرحله نخست، یعنی غیرامنیتی کردن آن بود. مرحله سوم این دوره نیز توافق‌نامه پاریس بود که در آن، ضمن آن‌که ماهیت صلح‌آمیز فعالیت‌های هسته‌ای ایران مورد تأکید قرار گرفت، منجر به وقوع اتفاق بسیار مهمی در روابط ایران و اروپا شد و آن، اعلام آمادگی اروپا، پس از 25 سال، برای مذاکرات سیاسی گسترده با ایران بود. ضمن آن‌که در این توافق‌نامه، اروپا از روند عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی حمایت می‌کرد. در نهایت، توافق‌نامه پاریس به دلیل آن‌که زمان‌بندی مشخصی را برای پایان تعلیق فرآیند غنی‌سازی اورانیوم از سوی ایران، مشخص نمی‌کرد، با عدم تأیید مراجع عالی تصمیم‌گیری در ایران مواجه شد و مذاکرات پاریس بی‌نتیجه ماند. این امر به منزله ورود عملی جمهوری اسلامی ایران به مرحله دوم مدیریت تهدید در این پرونده، یعنی امنیتی کردن آن بود. در عین حال، اروپا برای این‌که ابتکار عمل پرونده هسته‌ای ایران، از دست این اتحادیه خارج نشود و به دست آمریکا نیفتد، موافقت ضمنی خود را در جلوگیری از شکست مذاکرات برای فعالیت پروژه UCF و ایجاد یک پایلوت در نطنز اعلام نمود.

در سال 84، فضای بین‌المللی نیز برای از سرگیری غنی‌سازی اورانیوم توسط جمهوری اسلامی مساعد بود. در واقع، ایالات متحده در شرایط ممتاز و بی‌نظیر دور اول نبود، زیرا در آن زمان، به واسطه اشتباهات مکرر در عراق و افغانستان و تحلیل قوا، از سوی افکار عمومی بین‌المللی و هم‌چنین داخلی،

تحت فشار بود. از سوی دیگر، افکار عمومی مردم ایران نیز تحت تأثیر تبلیغات مهم رسانه‌های داخلی و رویکرد مسئولان، به شدت خواستار دستیابی به فناوری هسته‌ای بود؛ در حالی که در آغاز بحران، افکار عمومی داخلی، موضع منسجمی نداشت. در این شرایط، نظام جمهوری اسلامی، خطمشی جدیدی را در قبال مدیریت تهدید فرارو در پیش گرفت و آن، همانا امنیتی‌کردن پرونده بود. این خطمشی از طریق قاطعیت در حفظ چرخه سوخت هسته‌ای و از سرگیری بخشی از فعالیت‌های هسته‌ای که به صورت داوطلبانه در دوره غیرامنیتی‌کردن به حال تعلیق در آمده بود، نمایان شد. جمهوری اسلامی ایران، حتی پیشنهاد روسیه را مبنی بر غنی‌سازی مشترک در خاک این کشور نپذیرفت و اعلام نمود این طرح حتی در صورت پذیرش آن توسط جمهوری اسلامی نیز نمی‌تواند جایگزین غنی‌سازی در خاک ایران شود. پس از این مرحله قطعنامه 1696 شورای امنیت علیه ایران تصویب شد. شورای امنیت در چارچوب این قطعنامه، از ایران درخواست نمود تمام فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی و بازفرآوری خود از جمله فعالیت‌های مربوط به تحقیق و توسعه را به حالت تعلیق درآورد، به طوری که این روند از سوی آژانس قابل راستی‌آزمایی باشد. این قطعنامه، به این معنا بود که اجماعی جهانی علیه جمهوری اسلامی شکل گرفته که به موجب آن، ایران، تهدیدی برای امنیت و صلح بین‌المللی به‌شمار می‌رود. ایران ضمن رد قطعنامه، به غنی‌سازی ادامه داد و مجتمع آب سنگین اراک را افتتاح نمود. در پی این اقدام، قطعنامه دوم، یعنی قطعنامه 1737 شورای امنیت علیه ایران تصویب شد که مورد مهم آن، گسترش دامنه تحریم به سامانه‌های موشکی و پرتابی ایران بود. بنابراین، می‌توان گفت این قطعنامه آغاز راهی بود که ایالات متحده در پایان آن می‌خواهد شرایط اعمال ماده 42 منشور و تغییر رژیم در ایران را به بهانه خطرآفرین بودن ایران برای صلح و امنیت بین‌المللی، فراهم آورد. پس از آن نیز شورای امنیت تاکنون، دو قطعنامه دیگر را (یعنی قطعنامه‌های 1747 و 1803) به تصویب رسانده است که هر دو در امتداد امنیتی‌کردن پرونده هسته‌ای ایران قابل تفسیر هستند.

در مرحله دوم، مدیریت تهدید توانست افکار عمومی را در راستای لزوم دستیابی به فن‌آوری صلح‌آمیز هسته‌ای بسیج نماید و نوعی وحدت نسبی را در آغاز این دوره در داخل ایجاد نماید. البته با

تداوم این روند و با تشدید تحریم‌ها، به نظر می‌رسد تصمیم‌گیران و بازیگران امنیتی‌ساز جمهوری اسلامی شاهد نوعی تفرقه در داخل (در قبال تداوم روند کنونی) و وحدت در خارج نسبت به پرونده هسته‌ای بودند. حال این سؤال مطرح می‌شود که رویکرد جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تهدیدات برنامه هسته‌ای چه بوده است و در این روند چه تکنیک‌های مدیریتی مورد استفاده قرار گرفته است؟

## ۱-۲ ادبیات موضوع:

۱-۲-۱ بررسی مقایسه‌ای دیپلماسی هسته‌ای دوران ریاست جمهوری سیدمحمد خاتمی و محمود

احمدی‌نژاد<sup>۱</sup>:

هدف از این مقاله، بررسی مقایسه‌ای دیپلماسی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی و محمود احمدی‌نژاد است. این مقاله با مفروض گرفتن گسست رادیکال و پر مخاطره سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در زمینه مسائل هسته‌ای در دور دوم نسبت به دور اول در پی پاسخ به این سؤال اساسی است که «الگوی رفتاری حاکم بر سیاست خارجی دولت نهم در حوزه دیپلماسی هسته‌ای چیست؟» نویسنده بر این باور است که الگوی رفتاری حاکم بر سیاست خارجی دولت نهم در حوزه مسائل هسته‌ای، مبتنی بر *انطباق تهاجمی* است. نویسنده معتقد است در این الگو، محیط در جهت خواست بازیگر تغییر می‌کند که این الگوی رفتاری بیش از آن‌که تابع قدرت و امکانات ایران و شرایط بین‌المللی باشد، تابع ویژگی‌های شخصیتی و روانی رئیس‌جمهور و ناشی از باورها و آرمان‌های خود اوست.

---

۱. سارا فلاحی، "بررسی مقایسه‌ای دیپلماسی هسته‌ای دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی و محمود احمدی‌نژاد"،

پژوهش‌نامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره 6، 1386.

### ۱-۲-۲ سیاست خارجی دولت نهم<sup>۱</sup>:

نویسنده معتقد است سیاست خارجی دولت نهم، استمرار سیاست‌های گذشته است، البته در همین تداوم و استمرار، دست‌خوش تغییر و تحول نیز شده است. بنابراین، این سیاست‌ها، تداوم یافته ولی در چارچوب اصول‌گرایی و هم‌چنین اصول رفتاری آنها تهاجمی است. ایشان معتقد هستند در این دوره، راه‌برد عدم تعهد تجدیدنظرطلب و سه اصل رفتاری اصول‌گرایی، عدالت‌خواهی و صلح‌طلبی حداکثری بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران حاکم شده است. تحولی که خود باعث بازتعریف در روابط با غرب، اتخاذ سیاست نگاه به شرق، جهان‌سوم‌گرایی، گرایش به آمریکای لاتین، گفت‌وگوی انتقادی با آمریکا و بازنگری دیپلماسی هسته‌ای شده است.

### ۱-۲-۳ نهضت ملی هسته‌ای در ایران<sup>۲</sup>:

این کتاب، روزشمار هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. نویسنده با درنگی در گذشته و حال، مذاکره پرونده هسته‌ای با سه کشور اروپایی و هم‌چنین اهمیت دستیابی به انرژی هسته‌ای مطالب خود را به رشته تحریر درآورده است. او تبارشناسی مخالفان ایران هسته‌ای و ابزارهای دشمن علیه برنامه هسته‌ای و راه‌های مقابله با آن را پیش روی قرار داده است. در ادامه، سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها و نظرات مسئولین کشور و پیشنهادات 5+1 و ایران مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. سید جلال دهقانی فیروزآبادی، "سیاست خارجی دولت نهم"، مجله رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی.

۲. سید حسین حجازی و مجتبی زارعی، نهضت ملی هسته‌ای در ایران، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، 1387.

## ۱-۲-۴ ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران، گام‌های بعدی مربوط به معضل هسته‌ای<sup>۱</sup>:

در این مقاله، نویسنده استدلال می‌کند که به میزانی که احتمال ساخت جنگ‌افزار هسته‌ای افزایش یابد، همکاری دفاعی بیشتر بین دولت‌های خلیج فارس و آمریکا اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. حتی اگر ایران از آستانه هسته‌ای عبور نکند، توانمندی نیروی نظامی متعارف غیر اتمی و ساختار هسته‌ای غیرنظامی‌اش، معضلی را بر منطقه تحمیل می‌کند که هیچ‌یک از رژیم‌های خلیج فارس، نه می‌تواند آن را نادیده بگیرد و نه این‌که بدون همکاری با آمریکا به رویارویی با آن برخیزد. به‌علاوه، یک آزمایش کلیدی برای روابط آمریکا و خلیج فارس در سال‌های پیش رو این خواهد بود که طرفین بتوانند این رابطه ظریف و حساس را با حساسیت و تأثیرگذاری مدیریت کنند. علاوه بر این، اختلاف نظر اصلی بین واشنگتن و بروکسل در چگونگی برخورد با جمهوری اسلامی ایران بوده است. اتحادیه اروپا طرف‌دار تعامل با رژیم جمهوری اسلامی ایران به‌منزله بهترین راه واردساختن آن به تغییر سیاست‌هایش در مورد فرآیند صلح اعراب و اسرائیل، تروریسم و تسلیحات کشتار جمعی است. دولت بوش و کلیتون از آمیزه تحریم‌های اقتصادی یک جانبه و انتقاد عمومی از ایران حمایت کرده‌اند. در تابستان 2003، اتحادیه اروپا و ایالات متحده برای واردآوردن فشار بر ایران در نشست آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران، زمینه مشترک برای همکاری یافتند. این همکاری موفقیت‌آمیز بود؛ ایران پذیرفت که برنامه غنی‌سازی هسته‌ای خود را به‌حالت تعلیق درآورد و پروتکل الحاقی را امضا کند. اما این یک توافق بسیار جزئی بود و اکنون نیازمند مذاکره وسیع آمریکا - اتحادیه اروپا با ایران جهت دستیابی به سیاست مشترک و مهم‌تر از آن، یک استراتژی مشترک برای تحقق‌بخشیدن به این سیاست‌ها می‌باشد. در میان تمام موضوعات شکل‌دهنده به روابط بین آمریکا و اروپا، مسأله هسته‌ای جدی‌تر است، به این دلیل که اگر ایران تسلیحات هسته‌ای به‌دست بیاورد، این مسأله پیامدهای منفی شدیدی در سرتاسر منطقه برای اروپا و ایالات متحده به همراه خواهد داشت.

---

۱. جفری کمپ، "ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران: گام‌های بعدی منوط به معضل هسته‌ای"، ترجمه شهرداد انتخابی، در: داوود

غریباق زندگی، ایران و مسأله هسته‌ای، تهران: انتشارات مطالعات راه‌بردی، 1387.

### ۱-۲-۵ رابطه جمهوری اسلامی ایران با روسیه، چین و کره شمالی، برنامه هسته‌ای و موشکی<sup>۱</sup>:

از دیدگاه نویسنده، برنامه هسته‌ای ایران در یک قاعده پذیرش اجباری، پیش رفته است و روابط با کشورهای کمک‌کننده، بیشتر مبنی بر الزامات راه‌بردی بوده و انتخاب‌ها چندان متنوع نبوده است. در قبال دو طرف این رابطه، یعنی کشورهای کمک‌کننده و کشورهای دریافت‌کننده در حال حاضر کشور آمریکا قرار دارد. چگونگی بازی‌گری طرفین این رابطه با آمریکا، بر موقعیت، جایگاه و ترتیبات منطقه‌ای تأثیر خواهد داشت. اگر ایران و آمریکا به مذاکره برسند، تمامی معادلات داخلی منطقه‌ای کشورهای خاورمیانه دچار تحول خواهد شد. روسیه به شدت نگران بهبودی رابطه ایران و آمریکاست و در مقابل، ایران نگران بازی‌گرفتن خود توسط روسیه در رقابت این کشور با آمریکاست. نویسنده مقاله استدلال می‌کند که رابطه کنونی ایران با روسیه، چین و کره شمالی در صورت عدم حمله نظامی، دیگر توسط آمریکا در منطقه، تغییر جدی نخواهد داشت و این کشورها به همکاری ادامه خواهند داد. در این شرایط، آمریکا هیچ تمایلی به حفظ وضع موجود ندارد. تحولات آتی عراق، مذاکرات کره شمالی با آمریکا و آینده فلسطین می‌تواند در وضعیت آینده برنامه‌های نظامی و هسته‌ای ایران تعیین‌کننده باشد.

### ۱-۳ هدف پژوهش:

هدف پژوهش حاضر این است که رویکرد جمهوری اسلامی ایران را برای مقابله با تهدیدات برنامه هسته‌ای مورد واکاوی قرار دهد. در همین راستا، با مطالعه تهدیدات و فرصت‌های برنامه هسته‌ای تلاش خواهد شد ابعاد و عناصر مختلف رویکرد دیپلماتیک ایران برای مواجهه با تهدیدات برنامه هسته‌ای مورد بررسی قرار گیرد.

---

۱. داوود غرایاق زندی، "رابطه جمهوری اسلامی ایران با روسیه، چین و کره شمالی، در: داوود غرایاق زندی، ایران و مسأله هسته‌ای، تهران: انتشارات مطالعات راه‌بردی، 1387.

## ۱-۴ روش تحقیق و گردآوری داده‌ها

روش تحقیق، روش توصیفی - تبیینی است.

## ۱-۵ سؤالات تحقیق

آیا رویکرد جمهوری اسلامی ایران برای مدیریت تهدیدات برنامه هسته‌ای در دوره احمدی‌نژاد متحول شده است؟ در این صورت، عوامل اصلی آن چه بوده است؟

## ۱-۶ فرضیه

در دوره ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، رویکرد جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تهدیدات برنامه هسته‌ای، ضمن تداوم تلاش برای حفظ توانمندی هسته‌ای، بهره‌گیری از مدیریت دیپلماتیک از طریق اتحادسازی، تفرقه‌افکنی و افزایش زمان بوده است. این تحولات در اثر افزایش فشار قدرت‌های بزرگ و تغییر دیدگاه حاکم بر دولت اتفاق افتاده است.

## ۱-۷ تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی:

**مدیریت دیپلماتیک:** مدیریت به حداکثر رساندن منافع با بهره‌گیری از مذاکره.<sup>(۱)</sup>

**تهدید:** تهدید عبارت از نیرو و یا فعالیتی است که با منافع ملت، مناصم فرض می‌شود.<sup>(۲)</sup>

**تهدیدات امنیت ملی:** اقدام یا سلسله رویدادهایی است که به شکل مؤثر و در دوره زمانی نسبتاً کوتاه، خطر افت کیفیت زندگی برای ساکنان یک کشور را پیش آورد و نیز با خطر جدی کاهش طیف خط‌مشی‌هایی که حکومت یک کشور یا واحدهای غیرحکومتی خصوصی موجود در یک کشور (اشخاص، گروه‌ها و شرکت‌ها) می‌توانند میان آنها دست به انتخاب زنند همراه باشد. در این تعریف، کاهش طیف خط‌مشی‌ها را می‌توان کاهش گزینه‌های انتخابی یک کشور در تصمیم‌گیری‌های راه‌بردی به منظور پیش‌برد منافع معنا نمود.<sup>(۳)</sup>



**تهدیدات ملی<sup>۱</sup>**: عمدتاً شامل توانایی‌ها، نیات و اقدامات دشمنان بالفعل و بالقوه (داخلی و خارجی) برای ممانعت از دستیابی موفقیت‌آمیز خودی به علائق و مقاصد امنیت ملی یا مداخله به‌نحوی که نیل به این علائق و مقاصد به خطر بیفتد، می‌باشد.<sup>(۴)</sup>

**فرصت<sup>۲</sup>**: فرصت<sup>۲</sup> را می‌توان نوعی امکان و محمل برای دستیابی به اهداف و منافع دانست. فرصت‌ها نیز همانند تهدیدها، گاه کاملاً جنبه ساختاری دارند و در کنترل فعالان و بازیگران نیستند و گاه از سوی کنش‌گران و بازیگران سیاسی - امنیتی خلق می‌شوند.<sup>(۵)</sup>

**مدیریت تهدیدات<sup>۳</sup>**: مدیریت تهدیدات<sup>۳</sup> و تبدیل آنها به فرصت، به دو جنبه «مدیریت ادراک تهدید» و «مدیریت مواجهه با تهدید» تقسیم می‌شود. در خصوص درک یا شناسایی تهدیدات، دو دیدگاه اصلی قابل بررسی است. یک دیدگاه معتقد است شناسایی تهدید بر اساس «معرفی تهدید» یا «اعلام تهدید» صورت می‌گیرد. مدیریت مواجهه با تهدید پس از شناسایی تهدید، مرحله مواجهه با آن آغاز می‌شود. مهم‌ترین هدف مواجهه با تهدید، تبدیل آن به نوعی فرصت است.<sup>(۶)</sup>

**منافع حاشیه‌ای**: منافع حاشیه‌ای در حکم محافظ منافع مهم بوده و ذاتاً برای مصالحه وضع شده‌اند و منافع سه‌گانه (بنیادین، حیاتی، مهم) را پوشش داده و تعرض و آسیب‌رسانی به آنها را دشوار می‌سازند. ارزش این اهداف ضرورتاً در تحصیل آنها نیست و چه‌بسا از ره‌گذر فدانمودن آنها ارزش‌شان محقق گردد.<sup>(۷)</sup>

---

۱. National Threats  
۲. Opportunity  
۳. Threat Management

1. عباسی، محمد، «بررسی و نقد نظریه امنیتی ساختن» فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره 23، ص 14.
2. کالینز جان ام، استراتژی بزرگ (اصول و رویه‌ها)، ترجمه کورش بایندر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، 1370، ص 72.
3. عبدالله خانی، علی، «مدیریت ادراک تهدیدات امنیتی»، فصلنامه راهبردی دفاعی، شماره هجدهم، زمستان 1386، ص 11.
4. همان، ص 484.
5. پورسعید، فرزاد، مفهوم تهدید و شیوه‌های تبدیل آن به فرصت؛ پژوهشکده مطالعات کاربردی فارابی، ص 7.
6. عبدالله خانی، علی، «مدیریت ادراک تهدیدات امنیتی»، فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره هجدهم، زمستان 1384، ص 3.
7. افتخاری، اصغر، کالبدشکافی تهدید، تهران، دافوس، 1385، ص 104.

## فصل دوم

### چارچوب نظری

نظریه یا تئوری، بیان منسجم و سیستماتیک شناخت از واقعیات و پدیده‌هاست. بدین منظور، ابتدا باید به جمع‌آوری اطلاعات پرداخت و آن‌گاه با برقراری ارتباط منطقی بین آنها، تبیین ماهوی قضیه و چرایی موضوع را مورد بررسی قرار داد. اصولاً درک هر پدیده‌ای مشروط به تجزیه و تحلیل آن در چارچوب یک نظم فکری مشخص است. مهم‌ترین ویژگی چنین نظم فکری را می‌توان بیان رابطه منطقی و در صورت امکان، رابطه علی بین عناصر مختلف و مرتبط یک پدیده دانست. بررسی پدیده‌ها در چنین قالبی موجب می‌شود تا جنبه‌های گوناگون آن تجزیه و تحلیل گردد و واقعیات‌ها به گونه‌ای علمی تبیین شود. از این رو، نظریه‌پردازان رشته‌های مختلف علوم سعی داشته‌اند تا با بررسی وقایع و روند پدیده‌ها به یک جمع‌بندی کلی برسند و بر اساس آن، سایر مسائل را مورد تحلیل و بررسی قرار دهند. با وجود این، کمال مطلوب در تئوری با واقعیت موجود به‌طور کامل مطابقت نمی‌کند. تئوری صرفاً قادر به تبیین جنبه‌های خاصی از موضوع است. بنابراین، برای دستیابی به زوایای مختلف یک پدیده، باید آن را بر اساس تئوری‌های گوناگون مورد مطالعه و بررسی قرار داد.

به‌طور کلی، در سال‌های بین دو جنگ و پس از آن، این برداشت غالب بود که تئوری صرفاً در علوم طبیعی که موضوع آنها عینی و تغییر و تحولات آن مشهود است، قابل پذیرش است، لیکن در سیر تکامل رشته‌های مختلف علوم این امر مطرح شد که با توجه به ویژگی‌های خاص علوم اجتماعی نمی‌توان چنین توقعی از تئوری در رابطه با موضوعات علوم اجتماعی داشت. لذا هدف از تئوری در علوم اجتماعی را می‌توان تبیین بیشتر واقعیت و نه انطباق آن با واقعیت دانست و به همین دلیل، در روابط بین‌الملل تئوری‌های مختلفی وجود دارند که هر کدام بر اساس نگرش‌های خاصی به تحلیل و تبیین واقعیت‌ها و پیش‌بینی پدیده‌ها می‌پردازند.

به این ترتیب، در سیر تکامل رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل نیز شاهد چنین تلاشی برای علمی‌کردن مطالعه و بررسی‌های سیاسی هستیم، لیکن نسبی بودن امور، شرایط متفاوت و دگرگونی نوع عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری و هم‌چنین ویژگی‌های خاص محیط سیاسی و بین‌المللی و از همه مهم‌تر